



۱۳ نوامبر، ۲۰۲۴

نویسنده: Susan Thorntonk

ترجمه: میر عبدالرحیم عزیز

نمایش دوم ترمپ پایان امپراتوری امریکا را بیان می کند



عده زیادی در سراسر جهان ممکن است به طنز و شوخی بگویند که باید به آنها اجازه داده شود در انتخابات امریکا رای دهند، زیرا نتایج به همان اندازه بر آنها تأثیر می گذارد که روی کسانی که در ایالات متحده زندگی می کنند. عملکرد ابرقدرت یک قطبی در سراسر جهان انعکاس می یابد و سائر کشورها باید اجباراً پاسخ دهند.

اما رای دهندگان امریکائی تقریباً هرگز بر مبنای حوادثی که در جهان اتفاق می افتد، در مورد مسائل سیاست خارجی یا حتی مسائلی که ممکن است بر نسل های آینده در داخل کشور تأثیر بگذارد، رأی نمی دهند. رأی دادن یک انگیزه احساسی و یک لحظه نهائی است. در زمان هائی که درباره نقش و مسئولیت های جهانی ایالات متحده اتفاق نظر وجود داشت، ابهامات انتخابات تغییر چندانی در تقرب ایالات متحده نسبت به جهان ایجاد نمی کرد. اما زمان تغییر کرده است. انتخاب دونالد ترمپ برای دومین دوره ریاست جمهوری نشان دهنده تغییر اساسی در روابط امریکا با جهان است. برخلاف دیگر امپراتوری ها که در یک دوره طولانی به آهستگی از هم پاشیدند، امریکائی ها خود تصمیم گرفته اند که دیگر نمی خواهند مسئولیت و مزاحمت های تفوق جهانی را تحمل کنند.

امریکائی‌ها بیشتر از این به وعده و مفیدیت سیستم‌های خود اطمینان ندارند، آنها تعهد پاسخگویی به هشدارهای "آتش‌سوزی جهان" را رد می‌کنند، از تحمل مصارف امنیت جهانی خسته شده‌اند و به وضوح مشاهده می‌نمایند که دولت‌های دیگر متکی به کمک پر مصرف آمریکا هستند. رای‌دهندگان ایالات متحده همواره در رد نقش "پولیس جهانی" از سیاستمداران خود جلوتر بوده‌اند.

ادعای دولت بایدن مبنی بر اینکه مصارفی که ایالات متحده در این تلاش‌ها متحمل می‌شود بیش از داشتن دوستان جهانی و حفظ جنگ‌ها در آنجا برای غلبه بر شک‌ها و نارضایتی‌های آزار دهنده کافی نیست. بازی‌های سیاسی بر سر حمایت از اوکراین و سایر جنگ‌ها به این تصور کمک کرد که تعهدات آمریکا اختیاری است یا مشکل‌ساز، "کلاهبرداری هائی" که توسط نخبگان دور از انظار انجام می‌شود. کسانی که در کشورهای دیگر زندگی می‌نمایند و بسیاری از ساکنان ایالات متحده ممکن است این مسائل را متفاوت ببینند، اما رای نمی‌دهند یا به اندازه کافی رای نمی‌دهند.

ترمپ و یقیناً تیم امنیت ملی‌اش درک نمی‌کنند که او برای از بین بردن هژمونی جهانی ایالات متحده به قدرت رسید. اما معامله‌گری قلدرانه ترمپ، بی‌زاری او از تعهد، تمایل او به تعرفه‌ها و بی‌تفاوتی کامل نسبت به تأثیر بالقوه‌ای که ایالات متحده بر سایر کشورها می‌گذارد، نمی‌تواند نتیجه دیگری داشته باشد.

بدیهی است که به سازمان ملل متحد، نهادهای اقتصادی بین‌المللی، سازمان‌های چندجانبه‌ای که ایالات متحده در آنها عضویت دارد و با هرگونه تلاش بین‌المللی برای مبارزه با مشکلات ماورای سرحدات صدمه وارد خواهد شد. این از هم‌پاشیدگی در اولین دوره‌ او آغاز شد و بعد از چهار سال آینده غیر قابل برگشت خواهد بود. امریکائی‌های که ترمپ را به عنوان علمبردار خود انتخاب کردند، نابودی آنها، ایشان را شاد خواهد کرد.

لاکن‌نگران‌کننده‌تر اینکه، منصوبان امنیت ملی ترمپ پیامی را که رای‌دهندگان ترمپ برای شان ارسال کرده است، نخواهند پذیرفت. آنها از طریق گسترش نظامی‌رو به افزایش تحت عنوان "بازدارندگی" به اولویت آمریکا وفادار خواهند ماند.

شرکای آسیائی باید از شلاق سازشکارانه ترمپ و جنون تیم امنیت ملی او دوری کنند. این بدان معنی است که متحدان، بخصوص آنهایی که در اقیانوس آرام هستند، احتمالاً می‌توانند بر حمایت امنیتی ایالات متحده حساب کنند، تا زمانی‌که بتوانند ثابت سازند که رایگان مستفید نمی‌شوند. این امر پیامد هائی برای تأمین مالی جاپان در افزایش بودجه دفاعی خود، اصلاحات دفاعی تایوان

و افزایش مشارکت سائر شرکاء در دفاع خود (از جمله خرید سیستم های تسلیحاتی ایالات متحده از طریق معاملاتی مانند AUKUS) خواهد داشت.

علیرغم ادعای ترمپ مبنی بر اینکه "جنگ ها را آغاز نمی کند، بلکه متوقف می سازد"، عروج دوباره او احتمالاً آشفتگی بیشتری را در جهان نشان میدهد. یقین است که آسیب ناپذیری سیاسی ترمپ ممکن است به او اجازه دهد که در سیاست خارجی حرکت های بزرگی انجام دهد - توسعه دیپلماسی شخصی با کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی و ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه یا گسترش فضای دیپلماتیک اسرائیل. اما ترمپ از تحریک دیگران لذت می برد. اعتماد او به اینکه می تواند با کاشتن ترس از جنگ جلوگیری کند، نابجا است و احتمالاً نتیجه معکوس خواهد داشت. بعید است که روش بایدن در استقرار روابط ایالات متحده و چین پابرجا بماند و بالاخص تایوان در دستان ترمپ مبدل به یک کچالوی داغ خواهد شد.

پیامد های اقتصادی دوره ترمپ البته قابل توجه خواهد بود، خصوصاً برای آسیا - جهانی ترین بخش سیستم تجارت بین المللی. هنر بازی در اینجا قابل درک است که دور تعرفه ها و مذاکرات دوجانبه برای افزایش صادرات ایالات متحده می چرخد. مشخص نیست که این ستراتیژی برای اجراء در ترمپ دوم چقدر جا دارد، اما دولت ترمپ ممکن است از سرمایه گذاری خارجی در ایالات متحده استقبال بیشتری کند که می تواند فشار بر تجارت را برای برخی کشورها یا بخش ها کاهش دهد.

گسست ارتباط بیشتری بین اقتصاد ایالات متحده و چین وجود خواهد داشت. ترمپ و کانگرس جمهوری خواه احتمالاً تعرفه های بیشتری، کنترل صادرات و تحریم هائی را اعمال خواهند کرد که منجر به جدائی جهانی، افزایش مصارف و رشد کند تر میگردد. کسب و کارها با تصویر پیچیده تری مواجه خواهند شد و در حال حاضر در حال تدوین ستراتیژی هستند که چگونه تنظیم شوند. بسیاری از کشورهای آسیائی در حال ابداع ستراتیژی های پوشش اقتصادی هستند و سعی می نمایند که در میان روابط رو به وخامت روابط امریکا و چین، خط وسطی را بیابند. آیا و چگونه دولت ترمپ ممکن است مصارفی را برای چنین رویکردی تحمل کند، یک سوال عمده است.

ما قبلاً وارد مرحله گذار به دنیای پس از Pax Americana شده ایم - ترمپ یک سرعت بخش دهنده است. این بدان معنا نیست که ایالات متحده ناپدید خواهد شد. این کشور قدرتمند ترین و ثروتمند ترین کشور جهان باقی خواهد ماند. اما در عرصه بین المللی خلاء ایجاد می کند و امید که شرکای ایالات متحده برای ارائه رهبری و خیر عامه وارد عمل شوند.

در این جهان بی نظم و از هم پاشیده، شرکای ایالات متحده در آسیا باید همکاری امنیتی شبکه ئی و یکپارچگی منطقه ئی را برای حفظ صلح و کاهش اثرات منفی جهانی شدن برای اقتصاد های خود دنبال نمایند. چنین اقداماتی مفید تلقی میشود صرف نظر از اینکه کی در کاخ سفید نشسته است، زیرا جهان قرار است به مکانی دشوارتر و خطرناک تر تبدیل شود.

پایان